ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
زندگی سلام
• سه شنبه • ۴ اردیبهشت ۱۳۹۷ • شماره ۱۰۲۶

حدیث روز

هر کسی که برای خدا از برادرش دیدن کند، خداوند متعال فرمایـــد: مرا دیدن کردی و ثوابت بر من است و به ثوابی جز بهشت برایت خرسند نیستم.

امام جعفر صادق (ع)، اصول کافی

ذکر سه شنبه
صد مرتبه «یا ارحم الراحمین»

در محضر بزرگان

دعای خودت را پیدا کن

مرحـــوم میـــرزا اســـماعیل دولابی فرموده است:

«بعضی از دعاها یا اســـماء مال خود انسان است و همراه اوست. باید آن را پیدا کرد. بعضی را می‌بینیم از بچگی «لا حول ولا قوه الا با...» به ذهنشان آمده اســـت. اگر خلقش تنگ شود یا حالش به جا آیـــد این ذکر را می گوید. یکی «سبحان ا...» می گوید و دیگری «الحمـــدلله». یکی شـــکر می کند و دیگری اســـتغفار. این هـــا مال خود شماست. خدا به شما داده است و این خیلی قیمتی است. ان شاء ا... یک روز خودتـــان را پیدا می کنیـــد و مصداق همـــان ذکر می‌شـــوید. یـــک وقت می گوییـــم: «یا غفّـــار» و یک وقت خودمان می‌بخشـــیم. مصداق، بالاتر اســـت. یا غفّار به من رســـید و خودم هم بخشـــنده شـــدم. اول گفتم: «یا غفّار»، کم کم دیدم شب و نیمه شب خدا دستی به سرم کشید و حالم بهتر شـــد. قوت قلبم زیادتر شد. می‌توانم با او بنشـــینم و صحبت کنم. در وقت گرفتاری رضایتم بیشتر شد. غفار آمد و مرا گرفت.»

برگرفته از «طوبی محبت»

فارسی بنویسیم

چای یا چایی؟

اسماعیل فریدونی

با آقا ناصر مشغول بازی اسم و فامیل بودیم با حرف «چ» و نام یکی از گزینه ها را نوشیدنی گذاشـــته بودیم. موقع امتیازدهی وقتی از ناصر اسم نوشیدنی با «چ» را پرســـیدم، گفـــت: «چای یا چایی!» بعد مثل این که چیزی یادش آمـــده باشـــد رو به من کـــرد و گفت: «راستی حالا چای درسته یا چایی؟» گفتم: «به این نوشیدنی در چین «چا» گفته می شه ولی پس از ورود به ایران در زبان رسمی ما یک حرف «ی» به اون اضافه و تبدیل به چای شـــد. پس از ورود به خانه های مردم، همگان به این نوشیدنی یک «ی» دیگر اضافه کردند و چایی گفتند. بـــه هر حال ما موفق شـــدیم از یک واژه خارجی، دو واژه فارسی بسازیم! ای کاش درباره دیگر کلمات خارجی هم دست به کار می شدیم و فارسی سازی می کردیم.» ناصر گفت: «حالا کدوم درست تره؟» جواب دادم: «تو زبون رســـمی بهتره بگیم چای و تو زبـــون خودمونی می تونیم بگیـــم چایی. چون «ی» دومی خودش میـــاد، پس بهتره جلوی زبون رو نگیریم و بذاریم درست ادا بشه.»

پاسخ آزمون هوش

پدربزرگ به سادگی و با کمک قطب نما جنوب را پیدا کرده و به ســـمت خلافش رفتـــه و از آن جنگل ها دور شده بود!

اندکی صبر

هنوز منتظر

سپیده شیخ خطیبی

انتظار فصل غریبی است
که در عادت سال
سخت تکرار شود
زندگی دور زند مثل زمین
و تو خواهی فهمید
که هنوز منتظری!

دنیا به روایت تصویر

گاردین| شرکت کننده اسپانیایی در مسابقات قهرمانی «پشته سازی سنگ ها» اروپا

تلگراف| سلفی گل گلی! لندن

پی‌اِی| اسب سواری که با اسبش برای فرار از گرما به دل دریا زده است، انگلستان

شوخی بزرگان

حالا که آقای تاج خواهش کرده من هم به جام جهانی بروم و این که صدا و سیما هم خبرنگار نخواهد فرستاد، اگر کار گزارش، عکاسی، تمرین، تدارکات، ماساژ، طراحی پیراهن، خواندن سرود تیم، لیست خرید و هرگونه سفارشی دارید، در خدمتم.

«جناب خان»

دور دنیا

درخت ۷۰۰ ساله موریانه ای

آدیتی ســـنترال– درخت ۷۰۰ ساله هندی در طول ســـالیان متمادی، زمینی به مساحت سه هکتار را در یکی از جنگل های هند اشـــغال کرده است. این درخت غول پیکر از نظر وســـعت، دومین درخت دنیا از گونه خودش محســـوب می شود اما به تازگی با حمله موریانه ها در معرض نابودی قرار گرفته است. مسئولان برای جلوگیری از نابودی، به سرعت درخت را قرنطینه و از آفت کش های قوی استفاده کردند اما موریانه ها همچنان در حال خوردن برگ های درخت بودند. آن ها در نهایت با اســـتفاده از درمان وریدی یعنی تزریق آفت کش های قوی به ساقه ها و تنه درخت موفق شدند تا حد زیادی جلوی حمله موریانه ها را بگیرند.

خلاقیت باورنکردنی در درست کردن ژله

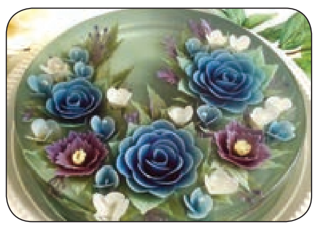

شین هوا– شـــاید کیک ژله ای چندان هم برای شما اشـــتهاآور و هیجان انگیز نباشد اما اگر با کیک های ژله ای هنرمند استرالیایی آشنا شوید نظرتان تغییر خواهد کرد. سی هونگ بین، دو سالی است که تبحر زیادی در این کار پیدا کرده است و آن چنان مهارتی در درســـت کردن ژله های ســـه بعدی دارد که با دیدن آن ها هرگز باور نمی کنید ژله خوراکی هســـتند، بلکه شبیه یک تابلوی سه بعدی زیبا دیده می شوند.

روش جالب برای جلوگیری از جریمه شدن!

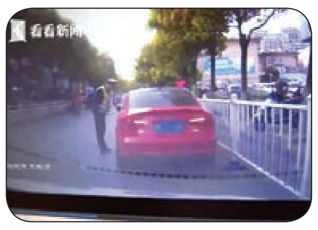

آدیتی سنترال– زن چینی که راننده ماهری است، سال ها روش نبوغ آمیزی را برای جلوگیری از جریمه شدن در خیابان های پرتردد چیـــن به کار برده بود و هیچ گاه لو نرفته بود تا این که چند وقت پیش، یک پلیس محلی متوجه ترفند او شد. او برگه های جریمه تقلبی درست کرده بود و خودش پشت شیشه ماشینش می گذاشـــت، بنابراین بقیه پلیس ها با گمان این که او قبلا جریمه شده است، جریمه اش نمی کردند.

شبکه های اجتماعی

* این جارو نپتونا خیلی موجودات جالبی هستن، پنج تا آشغال برمی‌دارن، سه تا می‌ذارن سر جاش. یه کم هم خشن‌تر برخورد کنی، به جای اون پنج تا هفت تا می‌دن دستت. در حین این که اسکلش شده بودم خیلی درس زندگی گرفتم!
* هوا یک جوریه که انگار به جای اکسیژن تو هوا استامینوفن کدئین پخشه!
* عموم داشت می گفت آدم اگه صبحانه کامل بخوره دیگه تا شب گرسنه‌اش نمی شه. همین که داشـــت این حرف رو می زد تو ذهنش گشـــنه‌اش شد گفت: حالا سر ظهر دو لقمه هم می‌خوره ولی کم!
* الان احســـان علیخانی بغضش رو درآورده داره خاکش رو می گیره برای ماه رمضون تر و تمیز باشه!
* شما به صورت رندوم از هر کی بپرسی اسم این ادکلن که زدی چیه، می گه نمی دونم، خونه بود همین جوری زدم!
* حوصله تون رو چه جوری تقسیم می کنید که فقط واسه ما ندارینش؟!
* من اگر ماهی این برکه کاشی بودم تا می اومدم دچار اندوه بزرگ بشم که ماه نیست، همه چیز یادم می‌رفت. چون ماهیا حافظه ندارن که!
* گنجشـــک‌ها اول صبحی سر این که چه کسی بره برای صبحونه نون داغ بگیره دعوا می کنن. وگرنه این همه جیک جیک هیچ دلیل منطقی دیگه‌ای نداره!

ترسانک

وحشت دوران بچگی

از کودکـــی از توالـــت خانه پدربزرگش می ترســـید. از همان ســـنگ هـــای توالت عمیق و ذوزنقه ای شکل که انگار مستقیم به هسته زمین می رسید! همیشه نگران بود یا خـــودش درون آن بیفتد یا هیولایی از آن تـــو دربیاید. بـــزرگ تر هم که شـــد این ترس در کنـــج ذهنش باقی مانده بود تا خودش صاحب خانه شـــد. همان روز اول بنا آورد تا توالـــت معمولی خانه را خـــراب کند و به جایش فرنگی کار بگذارد. کار تا عصر طول کشـــید و بنا رفت تا فردا برای تکمیلش بیاید.

نیمه شب بیدار شد و به سمت دست‌شویی رفت، چراغ را که روشن کرد، حس کرد سایه ای پشت در خزید. خواب از سرش پرید. با احتیاط داخل دست‌شویی شد، به پشت در سرک کشید، چیزی نبود. در را که بست، دست سیاهی از درون چاه بیرون آمد... ع.ک

شعر طنز

ضد حال

امیرحسین خوشحال|شاعر و طنزپرداز

چکه دیوار، یعنی ضدحال — پاره شد گیتار، یعنی ضدحال
روزها هر کس که باشی، قبلِ ده — گر شوی بیدار یعنی ضدحال
چون که بی پولی و بی دفترچه ای — گر شوی بیمار یعنی ضدحال
گر ببیند داخل جیبت زنت — فندک و سیگار، یعنی ضدحال
گر بیاید یک رفیقِ پرخورت — لحظه ناهار یعنی ضدحال
باز هم سریال هایِ آبکی — می شود تکرار یعنی ضدحال
گر جدا باشند مردان و زنان — داخلِ تالار یعنی ضدحال
وقت تعطیلی اگر راهی شوی — با زنت بازار یعنی ضدحال
پیش ما ایرانیان انجام کار — در محلِ کار یعنی ضدحال
زندگی با پول یعنی عشق و حال — منتها بی یار یعنی ضدحال

تفأل

حسب حالی ننوشتیم و شدایامی چند — محرمی کو که فرستم به تو پیغامی چند
مابدان مقصد عالی نتوانیم رسید — هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

دی روزنامه

آب درمانی

علیرضا کاردار|طنزپرداز

وزیر نیرو یکی دو روز پیش صحبت کرده و حرف هایی از بی آبی در کشـــور گفته که اگر شـــنیده باشیم، قیافه مان از قیافه وزیر ارتباطات وقتی اشتباه لپی آقای رئیس جمهور در آمار دادن را شنید، دیدنی تر خواهد شد! حرف ها زیاد بوده ولی خلاصه اش می شود این که: «آب نیست، یعنی آن قدر کم است که شما حساب کنید اصلا نیست. هوتوتو»! حالا که آقای وزیر همان دو ســـه قطره باقی مانده آب پاکی را روی دست مان ریخته و با هر ترفندی که بلد بوده گفته باید خودمان را برای بی آبی آماده کنیم، بد نیست ما هم حرف ایشان و دیگر کارشناسان را برای یک بار توی عمرمان گوش کنیم و خودمان را آماده و آبدیده کنیم. هرچه گفتند درســـت مصرف کنیم، ما نکردیم و حالا که آب تمام شده باید فکر اساسی برای دوران پساآب بکنیم.

هرچند بنا به گفته کارشناسان مصرف آب خانگی فقط ۶درصد کل منابع آبی کشور است و ۹۴درصد دیگر در کشاورزی، صنعت، ساخت و ساز و حتی فرسودگی شبکه های آب رسانی و کارآمد نبودن بعضی منابع و سدها هدر می رود، ولی با این همه دودش به چشم خودمان می رود، نه آن کشاورزانی که برای سود بیشتر وسط بیابان برهوت برنج غرقابی می کارند، یا مدیرانی که در حال گاز زدن به قاچ هندوانه و تف کردن دانه هایش، از کاشت میوه های آب دار در مناطق دچار خشکسالی دفاع می کنند، یا کارخانه داری که از لوله کشی شهری آب به تولیداتش می بندد، یا... بگذریم. کاری اســـت که شده و آب از سرمان گذشته. برای همین باید در نظر داشته باشیم که اگر مدیر و مسئول نیستیم و دست مان به جایی بند نیست و آب مان با آن ها داخل یک جوی نمی رود، یا رسانه ای نداریم و خبرنگار و روزنامه نگار و دابسمش کار و سلبریتی نیستیم و صدای مان به جایی نمی رسد، ضمن بستن شیرهای آب و حمام کردن با یک لیوان آب، سرنوشـــت خود و وضعیت آبی کشور را به دست مسئولان بسپاریم تا بلکه دلشان بسوزد و یک کاری برایمان بکنند. اگر هم دیدیم آبی از آن ها گرم نمی شـــود، با پر کردن هر کاسه و کوزه و دبه و آفتابه ای که دم دستمان می رسد سرمان را گرم کنیم تا دسته گل به آب ندهیم و کسی زیر آب مان را نزند!

آزمون هوش

پدربزرگ زبل!

روزی پدر بزرگی که نفس های یکی مانده به آخرش را می کشید، برای فرزندان و نوه ها و نتیجـــه ها و نبیره ها و ندیده هایش در گروه خانوادگی پیام فرســـتاد و همه را به بالین خود فراخواند. یک عده از فرزندان فکر کردند پدربزرگ باز سر کارشان گذاشته، پیام را «سین» کردند ولی پاسخ ندادند. پدربزرگ که خاندانش را می شناخت، دوباره پیام داد که: «نترسین، سر کاری نیست، می خوام یه معما مطرح کنم، هر کی درست جواب بده، وصیت نامه ام رو به نامش می زنم!» این گونه بود که همه ایل و تبارش به بسترش هجوم آوردند.

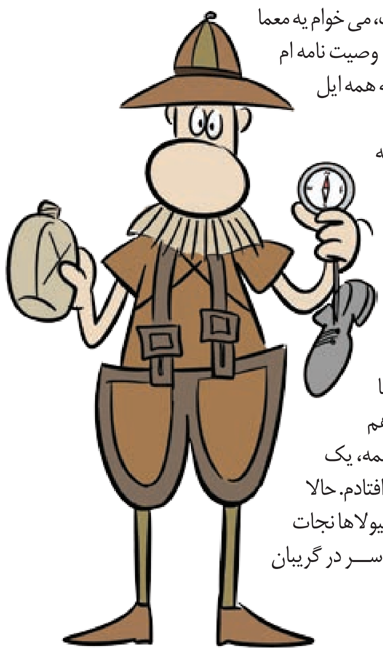

پدربزرگ ســـرفه ای کرد و گفت: «یه بار وقتی جوان بودم و دور دنیا رو می گشتم، کشتی ام در توفان شکست و به ســـاحل کشور ناشـــناخته ای رســـیدم که جنگل های انبوهی داشـــت. محلی ها مـــی گفتن تو جنگل هـــای جنوبی این کشـــور هیولاهایی هســـتن که طوری آدم ها رو می خورن که ازشون یک تار مو هم باقی نمی مونه. منم که فقط یک قمقمه، یک لنگه کفش و یک قطب نما داشتم، راه افتادم. حالا بگین چطوری تونستم از چنگ اون هیولاها نجات پیدا کنم و زنده بمونم؟» بچه ها همه ســـر در گریبان بردند تا پاسخ را پیدا کنند!

ما و شما

داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، طرح، عکس و هر ایده بامزه و جالب خود را به تلگرام ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ یا پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ بفرستید.

* مواظـــب کلماتت بـــاش، اون ها بخشیده می شوند اما فراموش نه!

سبحان باغچقی

* زندگی ســـلام دوشـــنبه را درباره سالروز درگذشت علامه اقبال لاهوری و دیگر نویســـندگان و شعرا که بسیار جالب و مفید بود مطالعه کردم که چقدر تلاش کرده اند تا زبان فارســـی را به جهانیان معرفی کنند. ولی اکنون وزیر آموزش و پرورش ما پیشنهاد آموزش زبان روســـی در مدارس می دهد. آخر زبان روسی به جز کشور خودشان چه کاربرد دیگری دارد؟ شاید من متوجه نیستم، شما برایم توضیح دهید.
* استاد خوب را چون قلابی فولادین بر لباس خود بدوزیـــد و هرگز او را از دست ندهید. **محمدجواد سلیمی**
* مطلب «در جســـت وجوی تمایز و تفاخر» صفحه مشاوره موضوع بسیار جالبی بود اما نـــگارش متن این قدر سخت و ســـنگین بود که برای عموم افراد قابل فهم نیست. من روان شناسم و متوجه شدم، ولی باید روان تر و ساده تر نوشته بشـــه که همه درکش کنن. ممنونم از تلاش شما

ونوس سلطانیان

* پیمان آشقانه دوست عزیزم، بیا به همدیگه قول بدیم وقتی قهر کردیم بیشـــتر از نصف روز طول نکشه. الان ۲۶ ساله قهر بین ما معنی ندارد.

مجید، مشهد

* چه خوب اســـت رفیق باز شویم با کتاب و کتاب خوانی.
* عاجزانه از هموطنانم درخواســـت می کنم در مصرف آب بیشـــتر دقت کنند، سال سختی پیش رو داریم...

سه نقطه

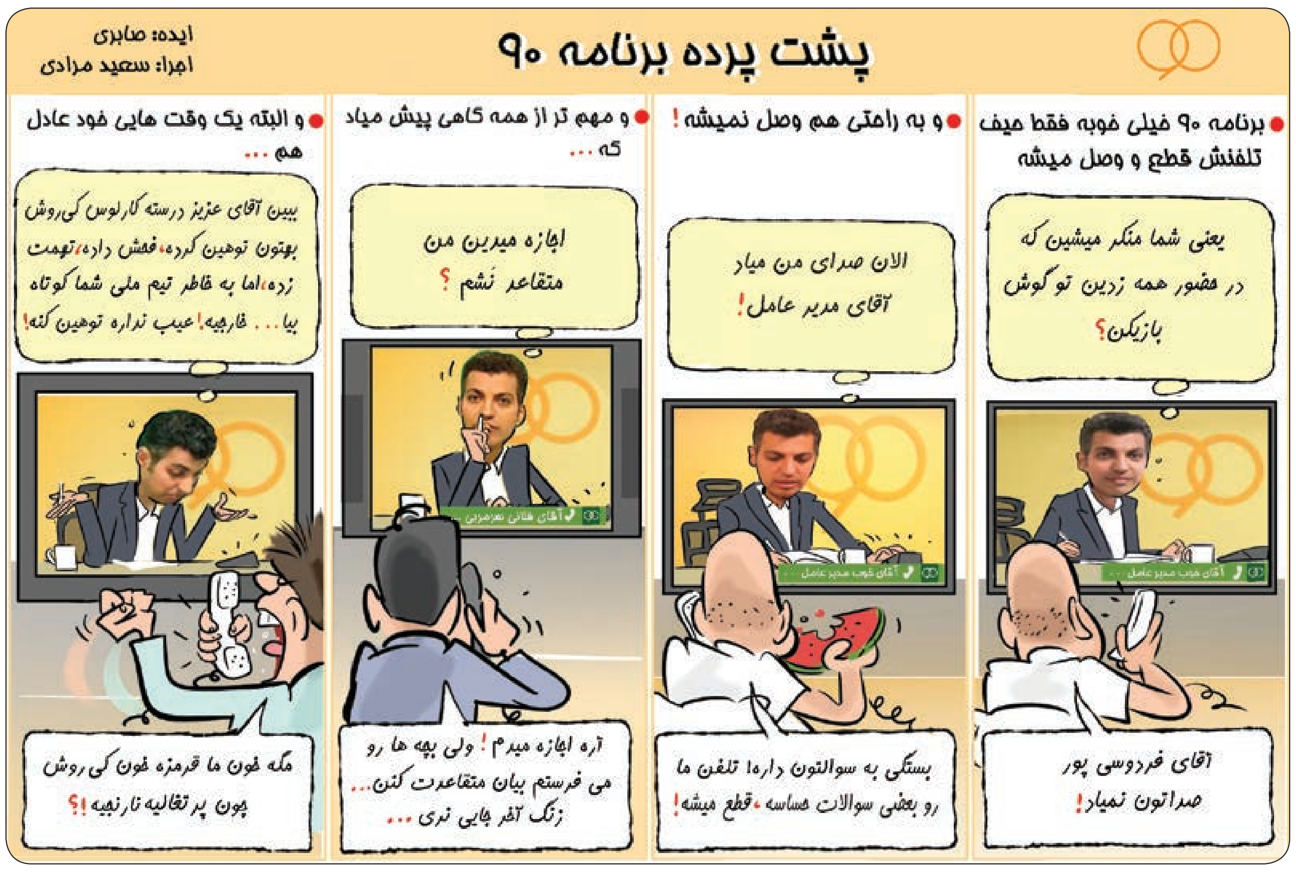
پشت پرده برنامه ۹۰
ایده: صابری
اجرا: سعید مرادی
• برنامه ۹۰ خیلی خوبه فقط حیف تلفنش قطع و وصل میشه
یعنی شما منکر میشین که در حضور همه زدین توگوش بازیکن؟
آقای فردوسی پور صداتون نمیاد!
• و به راحتی هم وصل نمیشه!
الان صدای من میاد آقای مدیر عامل!
بستگی به سوالتون داره! تلفن ما رو بعضی سوالات حساسه، قطع میشه!
• و مهم تر از همه گاهی پیش میاد که ...
اجازه میدین من متقاعد نشم؟
آره اجازه میدم! ولی بچه ها رو می فرستم بیان متقاعدت کنن... زنگ آخر جایی نری ...
• و البته یک وقت هایی خود عادل هم ...
ببین آقای عزیز درسته کارلوس کی‌روش بهتون توهین کرده، فحش داده، تهمت زده، اما به خاطر تیم ملی شما کوتاه بیا... خارجیه! عیب نداره توهین کنه!
مگه خون ما قرمزه خون کی‌روش جون پر تغالیه نارنجیه؟!